

از اعتراض خیابانی تا فرسایش ستون‌های قدرت

چارچوب علمی و راهبردی برای فعالیت‌های مدنی، اعتصاب، ریزش نهادی و گذار
سیاسی در ایران

تهیه شده برای: Mr Peyman Bakhshayesh

تاریخ: ۲۶ مه ۲۰۲۶

یادداشت روش‌شناختی: این مقاله صرفاً بر کنش مدنی، عدم همکاری، اعتصاب ایمن، مستندسازی حقوق بشر و سازمان‌دهی غیرخشونت‌آمیز تمرکز دارد. هرگونه اقدام تخریبی، خشونت‌آمیز، آسیب به زیرساخت عمومی یا ایجاد خطر برای شهروندان از چارچوب این مقاله خارج است.

چکیده

در جنبش‌های گذار سیاسی، حضور خیابانی شرط لازم است اما شرط کافی نیست. تجربه‌های تاریخی و ادبیات علمی مقاومت مدنی نشان می‌دهند که تغییر سیاسی زمانی امکان‌پذیرتر می‌شود که اعتراض خیابانی به شبکه‌ای از اعتصاب‌های صنفی، عدم همکاری اداری، ریزش نیروهای درون ساختار قدرت، فعالیت حقوق بشری، فشار دیپلماتیک، جنگ روایت‌ها و ائتلاف سیاسی متصل شود. این مقاله با تکیه بر نظریه‌های جین شارپ، اریکا چنووت، ماریا استفان، داگ مک‌آدام، سیدنی تارو، چارلز تیلی، گیلرمو اودانل و فیلیپ اشمیتر، یک چارچوب مرحله‌بندی‌شده برای عبور از «فراخوان خیابانی صرف» به «فشار ملی سازمان‌یافته» ارائه می‌کند. فرض مرکزی مقاله این است که رهبری اپوزیسیون، از جمله شاهزاده رضا پهلوی در جایگاه برجسته‌ترین چهره اپوزیسیون، زمانی مؤثرتر می‌شود که به جای تمرکز یک‌بعدی بر خیابان، بتواند زبان مشترک، نقشه راه، شبکه هماهنگی، ضمانت عدم انتقام‌جویی، و سازوکار هم‌افزایی میان طبقات اجتماعی، اصناف، دانشگاه‌ها، نیروهای نظامی و نهادهای حقوق بشری ایجاد کند.

کلیدواژه‌ها: مقاومت مدنی، اعتصاب عمومی، عدم همکاری، ریزش نیروهای سرکوب، اپوزیسیون، گذار سیاسی، ایران، حقوق بشر، مشروعیت سیاسی.

۱. مقدمه: محدودیت فراخوان خیابانی صرف

در نظام‌های اقتدارگرا، خیابان محل آشکار شدن بحران مشروعیت است. وقتی شهروندان با وجود خطر سرکوب به خیابان می‌آیند، پیام سیاسی روشن است: حکومت دیگر نمی‌تواند ادعای رضایت عمومی را بدون چالش مطرح کند. با این حال، حکومت‌های اقتدارگرا معمولاً برای کنترل خیابان ابزارهایی آماده دارند: نیروی انتظامی، نیروهای امنیتی، بسیج ایدئولوژیک، قطع اینترنت، بازداشت پیشگیرانه، تهدید خانواده‌ها، تبلیغات رسانه‌ای و امنیتی‌سازی اعتراض. بنابراین، خیابان اگر به سایر ابزارهای فشار متصل نشود، می‌تواند به موج‌های کوتاه‌مدت و پرهزینه تبدیل شود.

ادبیات مقاومت مدنی بر این نکته تأکید می‌کند که قدرت سیاسی فقط در کاخ ریاست‌جمهوری، بیت رهبری، پارلمان یا پادگان‌ها متمرکز نیست؛ بلکه از همکاری روزمره میلیون‌ها انسان تغذیه می‌کند. کارمندی که اسناد را

امضا می‌کنند، بانک‌هایی که تراکنش‌ها را انجام می‌دهند، کارگرانی که تولید را ادامه می‌دهند، معلمانی که سیستم آموزشی را فعال نگه می‌دارند، رسانه‌هایی که روایت رسمی را بازتولید می‌کنند، و نیروهای که فرمان سرکوب را اجرا می‌کنند، همه در تداوم یک نظم سیاسی نقش دارند. به همین دلیل، مقاومت مدنی موفق با قطع تدریجی این همکاری‌ها شکل می‌گیرد. [۳، ۴، ۱۲]

۲. مبانی نظری: ستون‌های قدرت و منطق عدم همکاری

جین شارپ در نظریه قدرت اجتماعی خود استدلال می‌کند که قدرت حکومت‌ها وابسته به اطاعت، همکاری و منابعی است که جامعه در اختیار آنان قرار می‌دهد. اگر اطاعت و همکاری کاهش یابد، حتی ساختارهای بسیار سخت امنیتی نیز دچار فرسایش می‌شوند. این رویکرد به جای تمرکز بر تصرف مستقیم قدرت، بر قطع منابع قدرت تمرکز می‌کند. [۳، ۴]

چنووت و استفان در مطالعه تطبیقی خود درباره کمپین‌های مقاومت مدنی نشان دادند که جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز در بسیاری از موارد تاریخی از جنبش‌های خشونت‌آمیز موفق‌تر بوده‌اند. علت اصلی این برتری، توانایی جنبش‌های غیرخشونت‌آمیز در جذب مشارکت گسترده، کاهش ترس طبقه خاکستری، ایجاد شکاف در نخبگان حکومتی و تشویق نیروهای امنیتی به نافرمانی یا بی‌طرفی است. این یافته برای ایران اهمیت مستقیم دارد، زیرا جامعه متکثر ایران فقط با زبانی فراگیر، غیرانتقام‌جویانه و مدنی می‌تواند به سطح مشارکت گسترده برسد. [۱، ۲، ۱۱]

۳. راهبرد کلان: تبدیل خشم اجتماعی به فشار ملی سازمان‌یافته

جنبش سیاسی موفق باید بتواند میان سه سطح ارتباط برقرار کند: سطح نمادین، سطح سازمانی و سطح فشار نهادی. سطح نمادین شامل شعار، پرچم، چهره رهبری و روایت ملی است. سطح سازمانی شامل شبکه‌های محلی، صنفی، دانشجویی، رسانه‌ای و دیاسپورا است. سطح فشار نهادی شامل اعتصاب، عدم همکاری، ریزش نیروهای سرکوب، شکاف در نخبگان و فشار بین‌المللی است. اگر این سه سطح از هم جدا بمانند، جنبش یا به هیجان نمادین محدود می‌شود یا به سازمان‌گرایی بی‌اثر؛ اما اگر این سطوح به هم متصل شوند، می‌توانند فشار تصاعدی ایجاد کنند. [۶، ۷، ۸]

۴. اعتصاب: محور اقتصادی و اجتماعی مقاومت مدنی

اعتصاب یکی از مهم‌ترین ابزارهای فرسایش قدرت حکومت است، زیرا مستقیماً جریان کار، تولید، خدمات، درآمد، مشروعیت و مدیریت روزمره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعتصاب موفق باید مرحله‌بندی شده، ایمن، قابل‌تکرار، دارای پیام روشن، و دارای سازوکار حمایت مالی و رسانه‌ای باشد. اعلام ناگهانی اعتصاب عمومی بدون آمادگی می‌تواند به شکست، فرسودگی و ناامیدی منجر شود. در مقابل، اعتصاب‌های کوچک، صنفی و محلی می‌توانند به تدریج به اعتصاب‌های منطقه‌ای و سراسری تبدیل شوند. [۱، ۲]

در ایران، گروه‌هایی مانند معلمان، بازنشستگان، کارگران، کارکنان حمل‌ونقل، پزشکان، پرستاران، کارمندان اداری، بازاریان، کارکنان صنایع بزرگ و دانشجویان می‌توانند نقش مکمل داشته باشند. هدف نباید تخریب زیرساخت ملی یا ایجاد خطر برای مردم باشد؛ بلکه هدف، عدم همکاری ایمن و قانونی با ماشین سرکوب، فساد و مشروعیت‌سازی حکومت است.

۵. صنایع راهبردی: عدم همکاری ایمن به جای تخریب

بحث درباره صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، برق، حمل‌ونقل و بنادر باید با حساسیت اخلاقی و ملی انجام شود. این زیرساخت‌ها متعلق به مردم ایران‌اند و هرگونه تخریب یا اختلال خطرناک می‌تواند جان کارگران، شهروندان، بیماران، کودکان، سالمندان و محیط‌زیست را تهدید کند. بنابراین، ادبیات اپوزیسیون باید از زبان تخریب فاصله بگیرد و بر «اعتصاب ایمن»، «کندسازی اداری»، «امتناع از اجرای دستور غیرقانونی»، «افشاگری فساد»، «مطالبه حقوق صنفی» و «حفاظت از دارایی ملی» تمرکز کند.

در این چارچوب، کارکنان متخصص می‌توانند با رعایت استانداردهای ایمنی و بدون آسیب به مردم، از همکاری با ساختارهای سرکوبگر فاصله بگیرند. این تمایز اهمیت راهبردی دارد: جنبشی که حافظ جان مردم و زیرساخت ملی است، مشروعیت بیشتری دارد؛ جنبشی که به تخریب یا خطر صنعتی نزدیک شود، به حکومت بهانه سرکوب و تبلیغات امنیتی می‌دهد.

۶. ریزش نیروهای نظامی، انتظامی و اداری

هیچ حکومت اقتدارگرایی فقط با ایدئولوژی حکومت نمی‌کند؛ حکومت به اجراکنندگان فرمان نیاز دارد.

پلیس، بسیج، سپاه، ارتش، نهادهای اطلاعاتی، قوه قضائیه، رسانه رسمی و بدنه اداری، هر یک بخشی از ستون‌های حمایت‌اند. ریزش این نیروها زمانی رخ می‌دهد که آنان احساس کنند حکومت آینده‌ای ندارد، جنبش مردمی پایدار است، و پیوستن به مردم از ماندن در کنار سرکوب کم‌هزینه‌تر و اخلاقی‌تر است. [۱۱]

پیام اپوزیسیون باید دوگانه اما دقیق باشد: از یک طرف، عاملان کشتار، شکنجه، فساد و جنایت باید بدانند که مستندسازی و پاسخ‌گویی قضایی در پیش خواهد بود؛ از طرف دیگر، کسانی که دستشان به جنایت آلوده نیست باید راه بازگشت به ملت داشته باشند. سیاست «بازگشت مشروط به ملت» می‌تواند شکاف در بدنه حکومت را افزایش دهد. زبان انتقام‌جویانه ممکن است نیروهای مردم را به سمت حکومت برگرداند؛ زبان عدالت‌محور و حقوقی، آنان را به بی‌طرفی یا ریزش تشویق می‌کند. [۹، ۱۰]

۷. دانشگاه، مدرسه و نسل جوان

دانشگاه در ایران همواره یکی از مراکز تولید آگاهی سیاسی و شبکه‌سازی اجتماعی بوده است. با این حال، تحریم کلاس یا عدم حضور دانشجویان و دانش‌آموزان باید با برنامه روشن، زمان‌بندی مشخص و حفاظت از افراد کم‌سن‌وسال همراه باشد. دانش‌آموزان نباید در معرض خطر مستقیم امنیتی قرار گیرند و نقش والدین، معلمان و شبکه‌های مدنی در حفاظت از آنان حیاتی است.

دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق بیانیه‌های صنفی، تحریم‌های نمادین، حلقه‌های مطالعاتی، مستندسازی سرکوب، حمایت از دانشجویان بازداشت‌شده و اتصال به اصناف و خانواده‌ها نقش ایفا کنند. نقش دانشگاه فقط حضور خیابانی نیست؛ دانشگاه می‌تواند «اتاق فکر مدنی» جنبش باشد.

۸. فعالیت حقوق بشری و مستندسازی

سرکوب اگر مستند نشود، ممکن است به روایت شفاهی و پراکنده تبدیل شود؛ اما اگر مستند شود، به پرونده حقوقی، رسانه‌ای و بین‌المللی تبدیل می‌گردد. مستندسازی باید شامل نام قربانی، زمان و مکان حادثه،

نوع آسیب، شاهدان، مدارک پزشکی، تصاویر، ویدئوهای قابل راستی آزمایی و زنجیره نگهداری داده‌ها باشد. هدف، انتقام‌جویی نیست؛ هدف، حقیقت‌یابی، عدالت، جلوگیری از تکرار و افزایش هزینه سرکوب است. [۱۳]

فعالیت حقوق بشری همچنین به دیاسپورا نقش مشخص می‌دهد. ایرانیان خارج از کشور می‌توانند با نهادهای حقوق بشری، پارلمان‌ها، رسانه‌های معتبر، دانشگاه‌ها و انجمن‌های تخصصی ارتباط برقرار کنند و صدای قربانیان را به زبان حقوقی، مستند و قابل دفاع منتقل کنند.

۹. اتحاد اپوزیسیون: از ائتلاف عاطفی تا هماهنگی عملیاتی مدنی

اپوزیسیون متکثر ایران شامل مشروطه‌خواهان، جمهوری‌خواهان، لیبرال‌ها، سوسیال‌دموکرات‌ها، ملی‌گرایان، سکولارها، فعالان حقوق زنان، فعالان کارگری، اقوام، روشنفکران، دیاسپورا و شبکه‌های مدنی داخل کشور است. اتحاد به معنای حذف تفاوت‌ها نیست؛ بلکه به معنای توافق بر حداقل‌های مشترک است: سکولار دموکراسی، تمامیت ارضی، انتخابات آزاد، برابری شهروندان، استقلال قوه قضائیه، عدم انتقام‌جویی، و تصمیم‌گیری نهایی مردم از طریق صندوق رأی. [۹، ۱۰]

در چنین چارچوبی، شاهزاده رضا پهلوی می‌تواند نقش نمادین و هماهنگ‌کننده داشته باشد، نه لزوماً نقش انحصاری و حزبی. رهبری مؤثر در مرحله گذار باید بتواند اعتماد نیروهای مختلف را جلب کند، زبان مشترک بسازد، از افراط‌گرایی فاصله بگیرد و به جامعه اطمینان دهد که آینده ایران متعلق به همه شهروندان است، نه فقط یک جناح سیاسی.

۱۰. جدول راهبردی فعالیت‌ها

حوزه فعالیت	هدف سیاسی	روش‌های مدنی مجاز	ریسک‌ها	شاخص موفقیت
خیابان	شکستن ترس و نمایش اکثریت ناراضی	تجمع مسالمت‌آمیز، شعار مشترک، نماد واحد، حضور مرحله‌بندی شده	سرکوب، بازداشت، قطع اینترنت	تداوم حضور، گسترش جغرافیایی، کاهش ترس عمومی

حوزه فعالیت	هدف سیاسی	روش‌های مدنی مجاز	ریسک‌ها	شاخص موفقیت
اعتصاب صنفی	کاهش توان اجرایی و اقتصادی حکومت	اعتصاب کوتاه‌مدت، تحریم کاری، مطالبات صنفی، صندوق حمایت	فرسودگی مالی، تهدید شغلی	افزایش تعداد اصناف و استمرار اعتصاب
صنایع راهبردی	کاهش همکاری با ماشین قدرت بدون آسیب به مردم	عدم همکاری ایمن، افشاگری فساد، رعایت کامل ایمنی صنعتی	اتهام امنیتی، خطر تبلیغات حکومتی	حفظ مشروعیت ملی و کاهش درآمد سیاسی حکومت
دانشگاه و مدرسه	تولید آگاهی و شبکه‌سازی نسل جوان	بیانیه، تحریم نمادین، حلقه مطالعاتی، حمایت از بازداشتی‌ها	آسیب به افراد کم‌سن‌وسال، پرونده‌سازی	گسترش شبکه‌های دانشجویی و حمایت خانواده‌ها
نیروهای نظامی و اداری	ریزش ستون‌های حمایت حکومت	پیام بازگشت به ملت، تضمین عدالت حقوقی، مستندسازی جنایت	انسداد روانی نیروهای مردم، ترس از آینده	بی‌طرفی، نافرمانی، استعفا یا افشاگری
حقوق بشر	افزایش هزینه سرکوب و ایجاد پرونده جهانی	ثبت شهادت، مدارک پزشکی، گزارش حقوقی، ارتباط با نهادهای بین‌المللی	خطای اطلاعاتی، افشای هویت قربانیان	گزارش‌های معتبر و پیگیری بین‌المللی
اپوزیسیون	تبدیل پراکندگی به هماهنگی ملی	منشور حداقلی، تقسیم کار، پرهیز از حذف‌گرایی، گفت‌وگوی رسانه‌ای	رقابت شخصی، جنگ روایت‌ها	پیام واحد و اعتماد طبقه خاکستری

۱۱. نقشه راه مرحله بندی شده

مرحله اول: تولید روایت مشترک. در این مرحله باید پیام مرکزی روشن باشد: گذار از حکومت ایدئولوژیک به دولت ملی، سکولار، دموکراتیک و پاسخگو. شعارها باید کوتاه، فراگیر و غیرانتقام جویانه باشند.

مرحله دوم: ایجاد شبکه های کوچک و ایمن. شبکه های صنفی، محلی، دانشجویی، حقوق بشری و رسانه ای باید بدون تمرکز بیش از حد، قابلیت ادامه فعالیت داشته باشند.

مرحله سوم: اعتراض های نمادین و اعتصاب های کوتاه مدت. این مرحله برای سنجش ظرفیت، کاهش ترس و ایجاد اعتماد اجتماعی است.

مرحله چهارم: اعتصاب های هدفمند و پیوسته. اصناف کلیدی با مطالبات مشخص و قابل دفاع وارد عمل می شوند.

مرحله پنجم: ریزش نهادهای و شکاف در حکومت. پیام های حقوقی، اخلاقی و سیاسی باید نیروهای مردم را به بی طرفی یا پیوستن به مردم تشویق کند.

مرحله ششم: مذاکره بر سر گذار و نظم موقت. در صورت فرسایش جدی قدرت، اپوزیسیون باید آماده ارائه برنامه حداقلی برای دولت موقت، امنیت عمومی، انتخابات آزاد و عدالت انتقالی باشد. [۹، ۱۰]

۱۲. نقش رهبری سیاسی و جایگاه شاهزاده رضا پهلوی

اگر شاهزاده رضا پهلوی برجسته ترین چهره اپوزیسیون تلقی شود، نقش او در این مرحله فقط فراخوان به خیابان نیست. وظیفه راهبردی او می تواند شامل ایجاد زبان مشترک، حمایت از اعتصاب های مدنی، دعوت به ریزش نیروهای غیرجنایتکار، ارائه تضمین های حقوقی، ارتباط با دولت ها و پارلمان های خارجی، ایجاد شورای هماهنگی فراگیر، و تأکید بر حق مردم برای تعیین شکل نهایی حکومت باشد.

رهبری مؤثر باید هم الهام بخش باشد و هم ساختار ساز. الهام بدون ساختار به هیجان کوتاه مدت منجر می شود؛ ساختار بدون الهام نیز قادر به بسیج عمومی نیست. ترکیب این دو، یعنی رهبری نمادین به همراه شبکه عملیاتی مدنی، می تواند ظرفیت جنبش را افزایش دهد.

۱۳. خط قرمزهای اخلاقی و راهبردی

جنبش گذار باید خط قرمزهای روشن داشته باشد: پرهیز از خشونت علیه شهروندان، پرهیز از تخریب زیرساخت‌های عمومی، حفاظت از کودکان و نوجوانان، عدم تحریک به انتقام‌جویی، پرهیز از نفرت قومی و مذهبی، احترام به تمامیت ارضی، و تأکید بر عدالت قانونی به جای انتقام سیاسی. این اصول فقط اخلاقی نیستند؛ برای موفقیت عملی نیز ضروری‌اند، زیرا طبقه خاکستری و نیروهای مردد فقط زمانی وارد جنبش می‌شوند که آینده را امن‌تر از حال ببینند.

۱۴. نتیجه‌گیری

در شرایطی که جمهوری اسلامی با بحران مشروعیت، فشار اقتصادی، نارضایتی اجتماعی و فرسایش ایدئولوژیک مواجه است، اعتراض خیابانی اهمیت حیاتی دارد اما کافی نیست. راهبرد مؤثر باید چندلایه باشد: خیابان برای نمایش اراده ملی، اعتصاب برای فرسایش توان حکومت، عدم همکاری برای کاهش اطاعت، ریزش نیروها برای شکستن ستون سرکوب، حقوق بشر برای افزایش هزینه بین‌المللی، و اتحاد اپوزیسیون برای ارائه بدیل سیاسی. اگر رهبری اپوزیسیون بتواند این اجزا را هماهنگ کند، جنبش از مرحله اعتراض به مرحله فشار ملی سازمان‌یافته وارد می‌شود.

اصل مرکزی چنین راهبردی این است: حکومت زمانی به زانو درمی‌آید که جامعه فقط اعتراض نکند، بلکه همکاری خود را از حکومت پس بگیرد؛ و این کار باید گسترده، ایمن، اخلاقی، غیرخشونت‌آمیز و سازمان‌یافته باشد.

منابع و مراجع

1. Chenoweth, E. & Stephan, M. J. (2011). Why Civil Resistance Works: The Strategic Logic of Nonviolent Conflict. Columbia University Press.
2. Chenoweth, E. (2021). Civil Resistance: What Everyone Needs to Know. Oxford University Press.

3. Sharp, G. (1973). *The Politics of Nonviolent Action*. Porter Sargent.
4. Sharp, G. (2010). *From Dictatorship to Democracy: A Conceptual Framework for Liberation*. Fourth U.S. edition. Albert Einstein Institution.
5. Popovic, S. (2015). *Blueprint for Revolution: How to Use Rice Pudding, Lego Men, and Other Nonviolent Techniques to Galvanize Communities, Overthrow Dictators, or Simply Change the World*. Spiegel & Grau.
6. McAdam, D., Tarrow, S. & Tilly, C. (2001). *Dynamics of Contention*. Cambridge University Press.
7. Tarrow, S. (2011). *Power in Movement: Social Movements and Contentious Politics*. Cambridge University Press.
8. Tilly, C. (1978). *From Mobilization to Revolution*. Addison-Wesley.
9. O'Donnell, G. & Schmitter, P. C. (1986). *Transitions from Authoritarian Rule: Tentative Conclusions about Uncertain Democracies*. Johns Hopkins University Press.
10. Linz, J. J. & Stepan, A. (1996). *Problems of Democratic Transition and Consolidation*. Johns Hopkins University Press.
11. Nepstad, S. E. (2011). *Nonviolent Revolutions: Civil Resistance in the Late 20th Century*. Oxford University Press.
12. Popovic, S., DjinoVIC, S., Milivojevic, A., Merriman, H. & Marovic, I. (2007). *Pillars of Support*. In CANVAS Core Curriculum: A Guide to Effective Nonviolent Struggle. Centre for Applied Nonviolent Action and Strategies. Available from: <https://www.nonviolent-conflict.org/resource/pillars-of-support-2/>

13. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. (2011). Manual on Human Rights Monitoring. Revised edition. United Nations. Available from: <https://searchlibrary.ohchr.org/record/4835>